

# پژوهشهای حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۲

هزار و سیصد و نود و هفت - نیمسال دوم (دوقصلنامه)

- برخی از جلوه‌های بارز الگوی دادرسی منصفانه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲  
۵ بهارک شاهد - دکتر نسرین مهر
- مبانی «نظریه انتخاب منطقی» در پیشگیری وضعی  
۳۱ دکتر مهدی مقیمی
- پیشگیری از انتقال عواید ناشی از جرایم سازمان‌یافته در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی  
۵۷ یاسر غلام‌نژاد - دکتر محمدعلی مهدوی‌نابت
- بررسی رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) به حقوق شاهد و مطلع در مرحله تحقیقات مقدماتی و میزان انطباق آن با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای  
۹۹ عباس اختری - دکتر حسنعلی مؤذن‌زادگان
- تحلیل حقوقی بزه تغییر کاربری غیرمجاز از طریق دیوارکشی اراضی زراعی و باغ‌ها با تأکید بر رویه قضایی  
۱۲۵ دکتر حمید بهره‌مند - ناصر قنبریان
- تحلیل کیفرشناختی قانون جزای عرفی مصوب ۱۳۹۵ شمسی  
۱۵۳ دکتر مهدی صبوری‌پور - ایرج خلیل‌زاده
- امکان‌سنجی کاربست نهادهای جزایی نوپیدا در حدود  
۱۸۳ حسین خدایار - دکتر رحیم نوبهار





## مبانی «نظریه انتخاب منطقی» در پیشگیری وضعی

دکتر مهدی مقیمی\*

### چکیده:

**زمینه و هدف:** بزهدکار بالقوه در مواجهه با موقعیت جرم، اقدام به تصمیم‌گیری می‌کند. مبدعان پیشگیری وضعی، تصمیم به ارتکاب جرم را بر اساس «نظریه انتخاب منطقی» تحلیل می‌کنند. تحلیل مبانی این نظریه در پیشگیری وضعی نشان می‌دهد که از میان عقل و امیال، امیال راهبر بزهدکار بالقوه است و عقل در این فرایند، به‌صرفه‌ترین راه را در اختیار او می‌گذارد. بزهدکار بالقوه بر اساس منطق «پاداش - هزینه/تنبیه» درباره ارتکاب جرم تصمیم‌گیری می‌کند. هدف از نگارش مقاله حاضر مطالعه مبانی «فلسفی» و «پوزیتیویستی» عقلانیت پیشگیری وضعی با استناد به ریشه‌ها و پیشینه‌های نظریه انتخاب منطقی است.

**روش تحقیق:** این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است. پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به زبان فارسی و انگلیسی انجام شده است.

**یافته‌ها و نتایج:** یافته‌های فلسفی این مقاله نشان می‌دهد که «نظریه انتخاب منطقی»، معرف نظام عقلانیت در پیشگیری وضعی است. این نظریه با استناد به فلسفه «هیوم»، از میان عقل و امیال، امیال را راهبر بزهدکار بالقوه می‌داند و با الگوبرداری از دیدگاه‌های فلسفی بنتام و میل، انتخاب آماج را تابع «منفعت» می‌داند. با جمع این دو دیدگاه، بزهدکار بالقوه با هدایت امیال، کوتاه‌ترین و اقتصادی‌ترین هدف را آماج جرم قرار می‌دهد. در بُعد پوزیتیویستی، پیشگیری وضعی با الگوبرداری از رفتارگرایی، مبانی تصمیم‌گیری بزهدکار بالقوه را پاداش - تنبیه و در بُعد جامعه‌شناختی، پاداش - هزینه می‌داند. بر این اساس نظام عقلانیت پیشگیری وضعی، «عقلانیت» به معنای عقل استدلالی یا خرد ناب را به «منطق یا محاسبه اقتصادی» تقلیل می‌دهد. با تقلیل بزهدکار بالقوه به موجودی محاسبه‌گر یا

ماشین حساب، ارزش‌ها، معنویت و سعادت مفهومی ندارد زیرا اهداف توسط امیال و برای دستیابی به منفعت کوتاه‌مدت مادی با محاسبات اقتصادی (هزینه - سود) تعیین می‌شود.

### کلیدواژه‌ها:

پیشگیری وضعی، عقلانیت، منطق، محاسبه، اقتصاد، نفع، هزینه.

### مقدمه

پیشگیری وضعی، با معرفی موقعیت به عنوان تأثیرگذارترین عامل در وقوع جرم، بر این باور است که انسان، ضمن مواجهه با موقعیت مرتکب جرم می‌شود. بنیان‌گذاران پیشگیری وضعی در تشریح مفاهیم «جرم»، «بزهکار بالقوه»، «آماج جرم»، «موقعیت» و «پیشگیری از جرم» از سه نظریه «فعالیت‌های روزمره»، «الگوی جرم» و «انتخاب منطقی»<sup>۱</sup> بهره گرفته‌اند.<sup>۲</sup> نظریه فعالیت‌های روزمره، بیش از هر چیز، با تمرکز کردن بر سبک زندگی یا نوع رفتار روزمره «بزه‌دیدگان»، جرایم را علت‌شناسی و راهکارهای پیشگیری وضعی ارائه می‌کند. محور نظریه الگوی جرم، ویژگی‌های موجود در محیط فیزیکی به ویژه زمان و مکان وقوع جرایم و به عبارتی، «موقعیت زمانی و مکانی» جرم است. نظریه انتخاب منطقی بیش از هر عامل دیگر، بر بزهکار بالقوه تمرکز دارد. این نظریه با تحلیل لحظه مواجهه بزهکار بالقوه با موقعیت جرم، «نظام تصمیم‌گیری بزهکار بالقوه» را بررسی و بر آن اساس، راهکارهای پیشگیری وضعی ارائه می‌دهد. هرچند نظریات یادشده مفاهیمی را به یکدیگر وام می‌دهند؛ اما از میان این سه نظریه، نظریه انتخاب منطقی است که مباحث مربوط به تصمیم‌گیری، استدلال و محاسبه را درباره «بزهکار بالقوه» تحلیل و ارزیابی می‌کند. نظریه پردازان پیشگیری وضعی، لحظه مواجهه بزهکار بالقوه با موقعیت جرم را از این نظر سرنوشت‌ساز می‌دانند که بزهکار در آن لحظه، اقدام به تصمیم‌گیری می‌کند. آنها این تصمیم‌گیری را تابع اصول حاکم بر «نظریه انتخاب منطقی»<sup>۳</sup> می‌دانند.<sup>۴</sup> بر این اساس می‌توان نظریه انتخاب

۱. در بیشتر آثار موجود، این نظریه را با عنوان «نظریه انتخاب عقلانی» یاد کرده‌اند؛ اما به دلایلی که خواهد آمد نویسنده حاضر عبارت «انتخاب منطقی» را ترجیح می‌دهد.

2. Ronald V. Clarke and Marcus Felson, *Routine Activity and Rational Choice* (US: Transaction, 1993), 127.  
 3. Rational Choice Theory.  
 4. Derek Blaikie Cornish and R.V. Clarke (2008). *Rational Choice Perspective*, ed. R. Wortley and L. Mazerolle (UK: Willan, 2008), 37.

منطقی را به عنوان نظام عقلانیت در پیشگیری وضعی دانست. نظریه انتخاب منطقی مفاهیم بسیاری را از نظریه‌های اقتصادی مرتبط با رفتار انتخاب‌گرانه، به عاریت گرفته است.<sup>۵</sup> نسخه نظریه انتخاب منطقی در حوزه پیشگیری وضعی، دیدگاه «بزهکار استدلال‌گر<sup>۶</sup>» است که از سوی کرنیش و کلارک در مقاله «مدل‌سازی تصمیمات بزهکار<sup>۷</sup>» و کتاب «بزهکار استدلال‌گر<sup>۸</sup>» مطرح شده است. آنها در ارائه دیدگاه‌های خود فرض کرده‌اند که بزهکاران عواقب احتمالی اقدامات خود را قبل از ارتکاب جرم ارزیابی می‌کنند.<sup>۹</sup> در این زمینه کلارک با جمع‌بندی تعدادی از آثار تحقیقی بیان می‌دارد «بنا به دیدگاه انتخاب منطقی، جرم نتیجه رفتار هدفمندی است که جهت برآورده کردن نیازهای معمولی همچون پول، موقعیت، جنسیت و تهییج و وجود این نیازها باعث اتخاذ تصمیم و انتخاب‌های (گاه ابتدایی) است.»<sup>۱۰</sup>

درباره نظریه انتخاب منطقی ادبیات نظری فراوانی وجود دارد. از نظر پیشینه، ابراهیمی در صفحه ۸۷ کتاب «درآمدی بر پیشگیری از جرم»، نظریه انتخاب عقلانی را به عنوان یکی از مبانی پیشگیری وضعی معرفی و نقش این نظریه را در تبیین محاسبات بزهکار انگیزه‌مند برای ارتکاب جرم تشریح می‌کند. تبیین و تشریح مشابهی را می‌توان توسط محمدنسل در صفحات ۴۰۷ تا ۴۰۹ کتاب «پلیس و پیشگیری از جرم» و صفحات ۱۲۳ تا ۱۳۸ کتاب «کلیات پیشگیری از جرم» محمدنسل ملاحظه کرد که در کتاب اول به صورت مستقیم به تشریح این نظریه و تأثیر آن در پیشگیری وضعی پرداخته و در کتاب دوم به صورت ضمنی، از کارکرد این نظریه در تکنیک‌های پیشگیری وضعی استفاده کرده است. به همین ترتیب میرخلیلی در صفحات ۵۴ تا ۵۶ کتاب «پیشگیری وضعی از بزهکاری» به تشریح ارکان و اجزای نظریه انتخاب عقلانی پرداخته است. بابایی و نجیبیان نیز در صفحات ۱۵۹ و ۱۶۰ مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم»، نحوه اطلاق نظریه انتخاب منطقی بر طیف خاصی از بزهکاران را تبیین و تشریح می‌کنند و عدم شمول این نظریه بر همه بزهکاران را به عنوان یکی از چالش‌های پیشگیری وضعی معرفی می‌نمایند. در پیشینه باید

5. Glenn D. Walters, "The Decision to Commit Crime: Rational or Nonrational?," *Criminology, Criminal Justice Law, & Society* 16(2&3) (2015).
6. Reasoning Criminal Perspective.
7. Modeling Offenders' Decisions: A Framework for Research and Policy, 1985.
8. The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspectives on Offending, 1986.
9. Ronald V. Clarke, *Affect and the Reasoning Criminal: Past and Future*, ed. J. L. Van Gelder, H. Elffers, D. Reynald and D. Nagin (England: Routledge, 2014), 25.
10. Ronald V. Clarke and Marcus Felson, *Routine Activity and Rational Choice*, op.cit., 98.

در نظر داشت که مبانی نظریه انتخاب منطقی، بیش از آنکه در آثار جرم‌شناختی و پیشگیری از جرم مطرح شده باشد، در آثار جامعه‌شناختی<sup>۱۱</sup> بحث و بررسی شده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد این نظریه، بُعد اقتصادی است که به دلیل جدایی‌ناپذیری بسیاری از آموزه‌های علمی از بُعد اقتصادی، این نظریه به طور مدام در عرصه علوم از جمله جامعه‌شناسی در حال تکامل بوده است. می‌توان موضعی مشابه موضع جامعه‌شناسی در روان‌شناسی<sup>۱۲</sup> به ویژه روان‌شناسی رفتارگرا ملاحظه کرد که به صورت مستقیم از بینش موجود در نظریه انتخاب منطقی استفاده کرده است. استفاده این دو علم از نظریه انتخاب منطقی، باعث تکامل این نظریه در شکل امروزی آن شده و دست‌مایه‌ای را برای بنیان‌گذاران پیشگیری وضعی فراهم آورده است. با توجه به ساری و جاری بودن روش پوزیتیویستی بر بخش قابل‌توجهی از آموزه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، مبانی پوزیتیویستی نظریه انتخاب منطقی را به ویژه می‌توان با واکاوی این دست آثار مطالعه کرد. در کنار نگاه پوزیتیویستی، مکاتب و جریان‌های فلسفی در غرب نیز تکامل این نظریه را شدت بخشیده است. مبانی فلسفی نظریه انتخاب منطقی را بیش از هر مکتب فلسفی می‌توان در منفعت‌گرایی بنتام و میل ملاحظه کرد. اهمیت این امر از آنجا واضح‌تر می‌شود که بنیان‌گذاران پیشگیری وضعی در ارائه دیدگاه‌های خود درباره نظام تصمیم‌گیری بزهرکار بالقوه، به طور صریح یا ضمنی به مبانی پوزیتیویستی یا فلسفی موجود استناد کرده‌اند. مبانی یادشده به صورت غیرمنسجم در آثار مختلف فلسفی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی قابل‌ملاحظه و استنباط است؛ اما آنچه نگارنده را راغب به نگارش مقاله حاضر کرد، ارائه منسجم و یکپارچه همه مبانی یادشده و تشریح ارتباط آنها با پیشگیری وضعی بود. با توجه به پیشینه و نیز مطالعاتی که نویسنده حاضر داشته است، تاکنون تحقیق مستقلی به تشریح «مبانی نظریه انتخاب منطقی» نپرداخته است؛ بنابراین یکی از مزایای این مقاله، ارائه منسجم و نظام‌مند مبانی نظریه انتخاب منطقی خواهد بود. فرض بر آن است که مخاطب محترم این مقاله، با بینش کلی این نظریه و کاربرد آن در پیشگیری وضعی آشنایی دارد.

بنابر اصول، مبانی نظریه انتخاب منطقی را می‌توان از نظر فلسفی و پوزیتیویستی مطالعه کرد. بر همین اساس هدف مقاله حاضر، مطالعه فلسفی و پوزیتیویستی مبانی نظریه انتخاب

۱۱. در این میان، بیشتر، جامعه‌شناسان پایبند به «نظریه مبادله» در تکامل نظریه انتخاب منطقی نقش داشته‌اند.

۱۲. در میان رویکردهای مختلف روان‌شناسی، بیشتر، رفتارگرایان در تکامل نظریه انتخاب منطقی نقش داشته‌اند.

منطقی است. مهم‌ترین سؤالاتی که این مقاله به آنها پاسخ خواهد داد این است که:

- مبانی فلسفی نظریه انتخاب منطقی چیست؟

- مبانی پوزیتیویستی نظریه انتخاب منطقی چیست؟

در بدیهی‌ترین حالت، به نظر می‌رسد که ریشه مفروضات نظریه انتخاب منطقی را بتوان به دو منبع شناخت یعنی فلسفه و علم<sup>۱۳</sup> نسبت داد. بر همین اساس، مطالب مقاله حاضر در دو بحث تنظیم شده‌اند. بحث اول، مبانی فلسفی نظریه انتخاب منطقی و ارتباط آن با پیشگیری وضعی و بحث دوم، مبانی پوزیتیویستی این نظریه را تشریح خواهد کرد.

### ۱- مبانی فلسفی

سنت تفکر ارسطویی بر این مبناست که روح انسان دارای دو نیروی خرد و شهوت است. در این سنت، غلبه خرد بر امیال و کسب فضیلت، راه رسیدن به خیر تلقی می‌شود؛ اما این نگاه ارسطویی از دوران رنسانس تغییر کرد. این تغییر نگرش، قرائت جدیدی را مطرح کرد که در آن برای مثال، پیگیری منفعت شخصی از نظر اخلاقی نه‌تنها مذموم نیست، بلکه یک موهبت است.

در یک نگاه در انسان مجموعه‌ای متشکل از عقل و میل وجود دارد. در این مجموعه، به ویژه فلاسفه ارسطویی، بر این باورند که عقل، راهبر امیال است. با تغییر نگرش یادشده، برخی از فلاسفه جدید، به ویژه در سنت فلسفی انگلستان، بر این باورند که امیال بر عقل مسلط هستند. شاخص‌ترین فیلسوفی که در این حوزه نظریه‌پردازی کرده است، هیوم می‌باشد. پس از هیوم، دیدگاه‌های فلسفی و اقتصادی بن‌تام به تکمیل سنت فلسفی پرداخت که نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی، از آن به عنوان مهم‌ترین مستمسک در تشریح نظام تصمیم‌گیری بزهکار بالقوه استفاده کرده‌اند. نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی با این بینش که عقل، خادم امیال است؛ بزهکار بالقوه را همانند سایر انسان‌ها فاقد عقل استدلالی می‌دانند. آنها بر این باورند که بزهکار بالقوه در مواجهه با موقعیت جرم، فقط منطقی محاسبه را به کار می‌گیرد، امری که ریشه در امیال دارد.

### ۱-۱- سنّت تفکر هیومی

در پاسخ به این سؤال که عقل محرک و راهبر رفتار انسان است یا امیال، هیوم<sup>۱۴</sup> در کتاب «پژوهشی با موضوع اصول اخلاقیات»<sup>۱۵</sup> بیان می‌دارد عقل نه می‌تواند منشأ شناسایی قواعد اخلاقی باشد و نه قادر به درک غایات اخلاقی است. حال که عقل در قلمرو غایات زندگی ایفای نقش نمی‌کند، شأن او محدود به قلمرو ابزار و اسباب است و باید ابزاری را کشف کند که انسان بتواند به هدفی که با امیال خود شناسایی کرده، دست یابد.<sup>۱۶</sup> هیوم در کتاب سوم «رساله‌ای درباره ذات انسان» ضمن ارائه تحلیلی درباره امیال انسان، عقل را «برده و خادم امیال»<sup>۱۷</sup> انسان معرفی می‌کند.<sup>۱۸</sup>

مطابق اشاره صریح کلارک و همفکرانش: «طبق اسلوب هیومی، خرد در دو رویکرد برده امیال است: استدلال‌آوری جهت تأمین و تحقق اهداف مطلوب با کمترین هزینه از سوی بزهکار می‌باشد.»<sup>۱۹</sup>

عقل در این نوع برداشت، هادی میل است یعنی بهترین راه برای هدایت/ دستیابی میل به هدف را نشان می‌دهد.<sup>۲۰</sup> در این وضعیت هیوم بر این باور است که هدف، توجیه‌کننده استفاده از ابزار است زیرا امکان دارد «ابزارها به خود مقاصد و اهداف تبدیل شود.»<sup>۲۱</sup> شاید بر همین اساس باشد که یکی از نظریه‌پردازان فلسفه در حوزه پیشگیری وضعی بیان می‌دارد: «پیشگیری وضعی نباید بر اساس زمینه‌های اخلاقی بلکه باید بر مبنای اثربخشی توجیه شود و همواره سودمندی خود را به اثبات برساند.»<sup>۲۲</sup>

14. David Hume (7 May 1711-25 August 1776)

15. An Enquiry Concerning The Principles of Morals, 1751.

16. David Hume, *An Enquiry Concerning the Principles of Morals*, ed. Tom, L. Beachamp (US: Oxford, 1998), 162-163.

17. Passions.

18. David Hume, *A Treatise of Human Nature*, Ed. Selby Bigge (US: Oxford, 1978), 2nd ed, 413, 455.

19. Derek Blaikie Cornish and Ronald V. Clarke, *Opportunities, Precipitators and Criminal Decisions: A Reply to Wortley's Critique of Situational Crime Prevention* (US: Oxford, 2003), Vol. 16, 51.

۲۰. مسعود صفایی‌مقدم، علیرضا رشیدی و محمدجعفر پاک‌سرشت، «بررسی اصل عقلانیت در منابع اسلامی و استلزامات تربیتی آن»، فصلنامه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز ۴ (۱۳۸۵)، ۷.

21. Pietro Marongiu and Graeme Newman, *Situational Crime Prevention and the Utilitarian Tradition*, ed. Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham (New York: Routledge, 2016), 130.

22. Rene Seve, *Philosophical Justifications of Situational Crime Prevention*, ed. Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham (New York: Routledge, 2016), 191, 194.

باید در نظر داشت که «عقل»<sup>۲۳</sup> به عنوان قوه فاعله آدمی،<sup>۲۴</sup> از نظر فلسفی به معنای جوهر بسیطی است که انسان به وسیله آن، واقعیت‌ها را دریافت می‌کند.<sup>۲۵</sup> این جوهر، فارغ از ماده، آگاه و منشأ حرکت است.<sup>۲۶</sup> بر اساس برداشت یکی از فلاسفه معاصر، تاکنون بیش از بیست معنای گوناگون از عقلانیت به دست داده‌اند.<sup>۲۷</sup> از میان این معانی گوناگون، پیشگیری وضعی گونه‌ای خاص از این معانی را برگزیده است. این گونه خاص، یعنی یافتن کوتاه‌ترین مسیر ممکن برای دستیابی به اهداف، الگویی است که بنیان‌گذاران پیشگیری وضعی از سنت تفکر هیومی اقتباس کرده‌اند.

تأثیر این برداشت در سیر تکامل نظریه انتخاب منطقی بدین ترتیب بوده که طرفداران این نظریه بر این نکته توافق دارند که دو عامل بر رفتار انسان اثر می‌گذارد: «اهداف (ترجیحات)»<sup>۲۸</sup> و «قیدوبندها»<sup>۲۹</sup>. انسان‌ها تلاش می‌کنند تا اهداف خود را مشخص کنند، محدودیت و قیدوبندها را مدنظر قرار دهند و منفعت خود را به حداکثر برسانند. مهم‌ترین بخش این برداشت، انتخاب وسیله/ ابزار دستیابی به هدف است. تحلیل بانیان پیشگیری وضعی با استناد به نظریه انتخاب منطقی، این است که بزهکار بالقوه در مسیر انتخاب وسیله/ ابزار، شقی را برمی‌گزیند که برای رسیدن به هدف، کم‌تلاش‌ترین / کم‌هزینه‌ترین راه ممکن باشد.<sup>۳۰</sup> انتخاب گزینه «کم‌هزینه‌تر» به مثابه «منطقی‌ترین گزینه» در محاسبات بزهکار بالقوه است.

با استناد به این برداشت، نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی بر این باورند که در اغلب جرایم مثل سرقت که آماج و هدف بزهکار بالقوه به دست آوردن مال یا منفعتی مادی است، مرتکب با محاسبه منفعت و زیان، مال یا فردی را آماج قرار می‌دهد که قابل دسترس‌تر، کم‌خطرتر و پرمفعت‌تر باشد.<sup>۳۱</sup>

23. Reason/ Intellect.

۲۴. محمدعلی فروغی، *سیر حکمت در اروپا* (تهران: زوار، ۱۳۶۶)، جلد اول، ۳۷.

۲۵. علی کرچی، *اصطلاحات فلسفی و تفاوت آنها با یکدیگر* (تهران: بوستان کتاب قم، ۱۳۹۲)، چاپ چهارم، ۱۷۱ و ۱۷۲.

26. Janathan Barenas, *The Complete Works of Aristotle* (US: Princeton University, 1995), 2330-2334.

27. Dagfinn Follesdal, *Rationalty* (US: Epistimology, 1986), 5-14.

28. Preferences (or Goals).

29. Constraints.

30. Debra Friedman and Michael Hechter (1990), *The Comparative Advantages of Rational Choice Theory*, ed. G. Ritzer (New York: Columbia University, 1990), 226.

۳۱. علی صفاری، *مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی* (تهران: جنگل، ۱۳۹۱)، چاپ اول، ۴۲.



## ۱-۲- مکتب «فایده‌گرایی»<sup>۳۲</sup>

از نظر فلسفی، فایده‌گرایی از جمله نظریات غایت‌گرای اخلاقی محسوب می‌شود. بخش چشمگیری از ارجاعات و استنادات بنیان‌گذاران پیشگیری وضعی در بحث از نظریه انتخاب منطقی، به فایده‌گرایی بوده است. فایده‌گرایی، بنیان و نظریه‌پردازان متعددی دارد. در این میان، نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی به ویژه از دیدگاه‌های بنتام و میل، الگوبرداری کرده‌اند. منفعت‌گرایی به صورت کلی، مکتبی است که در آن، یگانه‌معیار ارزیابی درستی یا نادرستی یک رفتار عبارت است از میزان «منفعت/ سود»<sup>۳۳</sup> یا «لذتی»<sup>۳۴</sup> که از آن ناشی می‌شود.<sup>۳۵</sup> بر این اساس، بنتام با محور قرار دادن «اصل سود»<sup>۳۶</sup> در نظام اخلاقی خود، سود/ نفع را ارزش‌غایی و تشکیل‌دهنده ذات انسان می‌داند.

از نظر بنتام، طبیعت، آدمی را تحت سیطره دو حکمران مقتدر، یعنی «لذت» و «درد»<sup>۳۷</sup> قرار داده و فقط آنها هستند که تعیین می‌کنند چه کاری را باید انجام داد. با این استدلال بنتام نتیجه می‌گیرد انسان حسب سرشت خویش باید همیشه در پی جذب و جلب لذت‌ها و منافع باشد و تنها به بیشینه کردن سود و لذت و تقلیل آلام و رنج‌ها بیندیشد.<sup>۳۸</sup> بنتام از نظر کمّی بر این باور است که لذت‌ها و دردها قابل اندازه‌گیری و سنجش‌اند و برای این سنجش، سازوکاری را طراحی کرده که به «ماشین حساب لذت‌سنج»<sup>۳۹</sup> بنتام معروف است.<sup>۴۰</sup> این ماشین حساب، توجهات را بیش از پیش به «نتیجه‌مدار بودن رفتارها» سوق داد. در این حوزه، نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی در ابتدا با پذیرش هدفمند بودن رفتارهای انسان در نظام تصمیم‌گیری بزهدکار بالقوه، بر این باور بودند که بزهدکار بالقوه در تعیین آماج جرم، دست به انجام محاسباتی (تحلیل سود - هزینه) می‌زند. با این تبیین آنها توجهات را به سوی مفهومی به نام «منطق محدود یا مرزبندی‌شده»<sup>۴۱</sup> رهنمون شدند و در آخر، نظریه انتخاب منطقی را به عنوان مبنای تصمیم‌گیری بزهدکار بالقوه معرفی نمودند.

32. Utilitarianism.

33. Utility.

34. Pleasure.

۳۵. هادی صادقی، مترجم، *فلسفه اخلاقی* (قم: کتاب طه، ۱۳۸۳)، چاپ دوم، ۸۶-۸۵.

36. Principle of Utility.

37. Pain.

38. Jeremy Bentham, *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, Batches* (US: Kitcheners, 2000), 14-15 and 84.

39. Felsitic Calculus (Hedonic Calculus).

40. Jeremy Bentham, *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*, op.cit., 30-35.

41. Limited or Bounded Rationality.

نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی با محوریت این نظریه بر این باورند که وقتی اوضاع به گونه‌ای است که فایده ارتکاب جرم بیشتر از خطرات/ هزینه‌های آن است، منطق/ محاسبه حکم می‌کند که جرم بالقوه به فعلیت درآید.<sup>۴۲</sup> طرفداران این نظریه بیان می‌دارند که «انسان مجرم می‌شود چون این‌گونه انتخاب کرده است». در واقع منظور نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی از «انتخاب» این نیست که انسان بر اساس اراده مرتکب جرم می‌شود بلکه آنها بر این باورند که انسان بر مبنای «منطق/ محاسبه/ سنجش/ تحلیل هزینه - فایده/تحلیل فایده - خطر» مرتکب جرم می‌شود.

بر همین اساس، بزهدار بالقوه به دیده «موجودی پرمایه و کاردان، ارزیاب و بیشینه‌ساز»<sup>۴۳</sup> نگریسته می‌شود،<sup>۴۴</sup> دیدگاهی که اصول اساسی خود را از دیدگاه‌های فلسفی و اقتصادی بنتام گرفته است. منطق حکم می‌کند که بهترین و کم‌هزینه‌ترین ابزار برای تأمین پُرمفعت‌ترین اهداف به کار گرفته شود. بر این مبنای «کاستن از فرصت‌های جرم اغلب متضمن محدود کردن و قطع رفتار هدف‌محور است»<sup>۴۵</sup>

تنها تفاوت در این زمینه، همان‌طور که کلارک نیز به آن اشاره می‌کند<sup>۴۶</sup> این است که بنتام، در نظریه‌پردازی در حوزه سودگرایی، کیفیت را در سنجش میزان سود رفتارها دخالت نداد و صرفاً بر کمیت سود تأکید کرد.

در یک نگاه نظریه بنتام به باور بسیاری از هم‌عصرانش نقاط ضعفی داشت از جمله اینکه مدل ارائه‌شده توسط او درباره سود و محاسبه آن، یک مدل صرفاً ریاضیاتی است. همین امر سبب نظریه‌پردازی‌های بعدی شد. شاید تأثیرگذارترین نظریه‌پرداز این حوزه پس از بنتام، جان استوارت میل باشد.

میل، برخلاف باور بنتام که از واژه لذت تنها لذات حسی/ مادی را مراد می‌کرد، لذات عقلانی/ ذهنی را نیز به این مفهوم افزود. میل بیان داشت که لذات حاصل از عقلانیت،

۴۲. اکبر علیوردی‌نیا و صالح صالح‌نژاد، «کاربست‌های نظریه‌گزینش عقلانی در تبیین جرایم و ارائه

دلالت‌های سیاستی برای پیشگیری از جرم»، فصلنامه کارآگاه ۲۵ (۱۳۹۲)، ۱۳.

43. Actors are Regarded as Resourceful, Evaluating, Maximizing Men.

44. Karl-Dieter Opp, *Limited Rationality and Crime*, ed. Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham (England: Routledge, 2016), 48.

45. Richard Wortley, *A Two-Stage Model of Situational Crime Prevention* (US: Willy, 1998), 177.

46. Graeme Newman and Pietro Marongiu, *Situational Crime Prevention and the Utilitarian Theories of Jeremy Bentham*, ed. Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham (New York: Routledge, 2016), 145.

نوع دوستی و ... به لحاظ کیفی برتر و بالاترند و باید در ماشین حساب لذت‌سنج بنتام، علاوه بر محاسبات کمی و عددی، لذات و آلام را از حیث «کیفیت»<sup>۴۷</sup> هم ارزیابی کرد.<sup>۴۸</sup> ظاهراً میل تلاش کرده تا بیان کند که فایده‌گرایی فقط فلسفه «سودجویی»<sup>۴۹</sup> نیست و به همین دلیل، مفهوم فایده را گسترده‌تر از سود اقتصادی به کار برده است اما مهم‌ترین نکته مرتبط، همچنان هدفمند ماندن رفتارهای انسان است.<sup>۵۰</sup>

ورود منافع کیفی در دیدگاه‌های پیشگیری وضعی را می‌توان بدین‌قرار دانست که «نظریه انتخاب منطقی بر این باور است که بزهکاران همواره به دنبال کسب منفعت از جرایم ارتكابی خود هستند. این منافع فقط بهره مادی نیستند (همچون سرقت) چراکه معمولاً در جرایم، موضوعات دیگری همچون سوءاستفاده‌های جنسی، مستی، هیجان، انتقام، دستمزد گرفتن از اعیان و اشراف و نظیر اینها نیز مطرح می‌شود.»<sup>۵۱</sup>

در مجموع، فلسفه غرب تا آنجا که هیوم تأثیرگذار بوده، با راهبر تلقی کردن امیال به جای عقل، الگویی خاص از عقلانیت را وارد پیشگیری وضعی کرد. الگویی که عقل را فقط ابزاری برای یافتن کوتاه‌ترین مسیر ممکن برای دستیابی بزهکار بالقوه به آماج جرم تلقی می‌کند. در بُعدی دیگر، نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی، به ویژه در تعیین اهداف بزهکار بالقوه، آموزه‌های فایده‌گرایی را معیار قرار دادند و بیان کردند تمام تلاش بزهکار بالقوه، بیشینه‌سازی سود/نفع/ لذت حاصل از ارتكاب جرم و کمینه کردن هزینه‌ها/ پیامدهای منفی آن است.

## ۲- مبانی پوزیتیویستی

با توجه به پیشینه شناخت‌های بشری، دانشمندان غربی در دوره رنسانس به این باور رسیدند که «روش»<sup>۵۲</sup>، معیار «حقیقت» تلقی می‌شود زیرا با ارائه روش، نقش پیش‌داوری‌ها و خطاها کم می‌شود. تصور عام این بود که هر آنچه که به تجربه نزدیک باشد، از خطا مصون‌تر است. از آنجا که روش علوم تجربی به عنوان روشی مورد اطمینان تشخیص داده شده بود،

47. Quality.

48. Edward Craige, *The Routledge Encyclopedia of Philosophy* (London: Routledge, 1998), V. 9, 554-556.

49. Expendiendy.

۵۰. محمد رفیعی مهرآبادی، مترجم، *پنجاه فیلسوف بزرگ* (تهران: عطایی، ۱۳۸۰)، ۲۲۱-۲۲۰.

51. Ronald V. Clarke and John E. Eck, *Crime Analysis for Problem Solvers in 60 Small Steps* (US: U.S Department of Justice, 2009), 80.

52. Method.

اندیشمندان علوم انسانی نیز در مطالعات خود از این روش بهره جستند. روش و برداشت‌های پوزیتیویستی در علوم انسانی طی سال‌ها دستخوش تغییراتی اساسی شده و امروزه، به عنوان گفتمان غالب شناخته نمی‌شود اما حتی با این وصف نیز پوزیتیویسم به عنوان یکی از مستند و مستدل‌ترین روش‌های علوم انسانی شناخته می‌شود. در این مقاله منظور از مبانی پوزیتیویستی، شناخت مبناهایی است که زیر عنوان «علم» روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مطالعه می‌شوند. از آنجا که مهم‌ترین مبانی نظریه انتخاب منطقی در پیشگیری وضعی را دیدگاه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تشکیل می‌دهد،<sup>۵۳</sup> در ادامه به تشریح دیدگاه‌های مرتبط در این دو علم پرداخته خواهد شد.

## ۲-۱- مبانی روان‌شناختی

روان‌شناسان معمولاً دستاوردهای این علم را زیر عنوان سه موج یعنی «روان‌کاوی»<sup>۵۴</sup>، «رفتارگرایی»<sup>۵۵</sup> و «روان‌شناسی شناختی»<sup>۵۶</sup> دسته‌بندی می‌کنند. بنیان‌گذاران پیشگیری وضعی از تفکرات رفتارگرایی الگوبرداری کرده‌اند. محور تفکر رفتارگرایی آن است که هیچ پدیده‌ای را نمی‌توان به طور مستقل و بیرون از پدیده‌های پیرامونش شناخت؛<sup>۵۷</sup> بنابراین، «هم فرد» و هم «محیط او» باید موضوع مطالعه باشند. محور تحلیل‌های بنیان پیشگیری وضعی، نه علت‌شناسی‌های کلاسیک در روان‌شناسی؛ بلکه شناخت منافع ملموسی است که بزهکاران به دنبال آن بوده‌اند.<sup>۵۸</sup> نظریه‌پردازان این حوزه، معمولاً تحلیل‌های خود را بر روند وقوع جرم متمرکز می‌کنند.

حلقه وصل میان پیشگیری وضعی و روان‌شناسی رفتارگرا را می‌توان «نظریه یادگیری»<sup>۵۹</sup> دانست. نظریه یادگیری همیشه محیط را به مثابه عامل تعیین‌کننده رفتار انگاشته است. بنیان‌گذاران پیشگیری وضعی با تأکید بر محیط بلافصل، جرم را نتیجه «تعامل بزهکار بالقوه با موقعیت» می‌دانند.<sup>۶۰</sup> نظریه یادگیری بیان می‌دارد که جاذبه‌ها و دافعه‌های موجود در محیط

53. Serdar Kenan Gül, "An Evaluation of Rational Choice Theory in *Criminology*," *Girne American University Journal of Sociology and Applied Science* 8 (2009): 37.

54. Psychoanalysis.

55. Behaviorism.

56. Cognitive Theory.

57. K.F. Riegel, "Influence of Economic and Political Ideologies on the Developmental Psychology," *Psychological Bulletin* 78 (1972): 130-132.

58. Cornish & Clarke, *Rational Choice Perspective*, op.cit., 24.

59. Learning Theory.

60. Richard Wortley, *Reconsidering the Role of Opportunity in Situational Crime Prevention*, ed. Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham (New York: Routledge,

است که بر رفتار انسان مؤثر واقع می‌شود. از این نظر انسان‌ها موجوداتی هستند که از «تنبیه<sup>۶۱</sup>» دوری کرده و طالب «تشویق/ پاداش<sup>۶۲</sup>» هستند<sup>۶۳</sup>. «پاداش»، رفتاری است که به ارضای نیازهای انسان منجر می‌شود و در مقابل «تنبیه» قرار دارد که انسان را از ارضای نیازهایش بازمی‌دارد.

رفتاری که در «موقعیت معینی» موجب رضایت خاطر شود، مرتکب آن رفتار، پاداش دریافت کرده است. پاداش، هر چیزی است که به واسطه انجام رفتار عاید فرد شده و از نظر او با ارزش تلقی می‌شود. در این صورت، ذهن این «فرد» با آن «موقعیت» پیوند ایجاد می‌کند و آن «رفتار» به یک عادت تبدیل خواهد شد.<sup>۶۴</sup> بر همین اساس از دیدگاه رفتارگرایی، رفتارهایی در انسان عادت خواهند شد که برای دستیابی به منفعت، بیشینه کردن منفعت، گریز از ضرر و در نهایت، کم کردن هزینه‌ها انجام شده باشند. با عادت شدن یک رفتار از طریق فرایند پاداش/ تنبیه، هدف از انجام رفتارها، دستیابی به پاداش و دوری از تنبیه خواهد بود و این به معنای «هدفمند بودن رفتارها» است. فرایند دستیابی به هدف نیز متضمن انجام محاسبه تنبیه - پاداش و به کارگیری منطقی است.

نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی با اقتباس از رفتارگرایی، بر این باورند که «نظریه انتخاب منطقی یک مبنای پاداش/ تنبیه دارد ... مناسبات اجتماعی که منتج به آن می‌شود که بزه‌دیده به یک هدف مناسب بدل گردد محصول پیچیده مشوق‌ها و بازدارنده‌هاست ... اینکه مشوق‌ها را بتوان به طور مفیدی به کار گرفت خود مبنای انتخاب را شکل می‌دهد.»<sup>۶۵</sup> دقیقاً با استفاده از همین الگوی ساختاری یعنی ارتباط میان رفتار، پاداش، تنبیه و محیط؛ کرنیش و کلارک متغیرهایی را برای نظریه انتخاب منطقی بیان می‌دارند و سپس نتیجه می‌گیرند که «همه این متغیرها سیاست بازنگری احتیاط‌آمیز و مداخله در محیط است. محیطی که پاداش‌ها و تنبیه‌ها در آن جای گرفته ...»<sup>۶۶</sup>

همان‌طور که بنتام و میل، انجام رفتار توسط انسان را برای دستیابی به نفع و اجتناب از

2016), 66-67.

61. Punishment.

62. Reward.

۶۳ هدایت‌الله ستوده، *روان‌شناسی اجتماعی* (تهران: آوای نور، ۱۳۹۵)، ۱۲۴.

64. Burrhus Frederic Skinner, "Two Types of Conditioned Reflex and a Pseudo Type," *Journal of General Psychology* 12 (1935): 69.

65. Ken Pease, *Predicting the Future: the Roles of Routine Activity and Rational Choice Theory*, ed. Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham (New York: Routledge, 2016), 242.

66. Derek Blaikie Cornish & R.V. Clarke, *Rational Choice Perspective*, op.cit., 44

درد دانسته‌اند، رفتارگرایان نیز هدف از انجام رفتار را رسیدن به پاداش و دوری از تنبیه معرفی کرده‌اند.<sup>۶۷</sup> با این احتساب، رفتارگرایان بر این باورند که جرم زمانی صورت خواهد گرفت که منافع حاصل از آن، بیش از هزینه‌های ارتکاب آن باشد،<sup>۶۸</sup> نگاهی که به طور صریح یا ضمنی توسط واضعان پیشگیری وضعی از جرم، به کرات بیان شده است.<sup>۶۹</sup>

در بحث انتخاب هدف، «اصل کمترین تلاش»<sup>۷۰</sup>، از جمله اصول رفتارگرایی هدفمند است.<sup>۷۱</sup> «تولمن، اولین انتخاب انسان را راهی می‌داند که مستلزم کمترین تلاش است. حال<sup>۷۱</sup> از دیگر رفتارگرایان هدفمند بیان می‌دارد که انسان از این جهت کوتاه‌ترین راه را ترجیح می‌دهد که کمترین مقدار تأخیر در دستیابی به پاداش و از این رو، بیشترین توان واکنش را به همراه دارد.<sup>۷۲</sup> این دیدگاه‌ها، مبانی روان‌شناختی نظریه انتخاب منطقی در بحث از سازوکارها یا نظام عقلانیت بزهکار بالقوه در فرایند انتخاب آماج جرم و ارتکاب جرم بر آن است.

در یک نگاه، از بُعد روان‌شناختی، مهم‌ترین مؤلفه‌های رفتار، پاداش و تنبیه است که از ویژگی‌های محیط/ موقعیت محسوب می‌شود. با الگوبرداری از رفتارگرایی، بانیان پیشگیری وضعی درباره تعیین هدف بر این باورند که بزهکار بالقوه، هدف خود را با منطقی دریافت پاداش و اجتناب از تنبیه انتخاب می‌کند. اصل کمترین تلاش، مهم‌ترین اصل در طریق دستیابی به هدف محسوب می‌شود.

## ۲-۲- مبانی جامعه‌شناختی

تا آنجا که آثار موجود نشان می‌دهد برخی از علوم و حوزه‌های شناخت بشری به صورت صریح یا ضمنی، مبانی را برای رواج نظریه انتخاب منطقی یا دستاوردهای آن به وجود آورده‌اند؛ اما علم جامعه‌شناسی علاوه بر فراهم آوردن این مبانی، نظریه انتخاب منطقی را تدوین کرده است. از نظر جامعه‌شناختی، نظریه انتخاب منطقی بر اساس مفروضات زیر بنا

67. Lawrence E. Marks, *Neurobiology of Sensation and Reward*, ed. Jay A. Gottfried (US: CRC Press/ Taylor & Francis), Chapter 2.

68. Richard Wortley, "A Classification of Techniques for Controlling Situational Precipitators of Crime," *Security Journal* 14 (2001): 63.

۶۹. این نوع برداشت واضعان پیشگیری وضعی را می‌توان به ویژه با عبارت Benefit-Cost Analysis و منطق با مفاهیم Rational Choice Theory ملاحظه کرد.

70. The Law of Minimum Effort.

71. Clark Leonard Hull (May 24, 1884 - May 10, 1952).

۷۲. سید محمد غروی و دیگران، *مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن* (تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه،

۱۳۹۴)، چاپ هشتم، جلد ۲، ۹۴.

شده است: ۷۳

۱. انسان‌ها موجوداتی هدف‌دار و هدف‌جو هستند؛  
 ۲. انسان‌ها ترجیحات یا منافع خود را بر اساس اهمیت هریک از آنها رتبه‌بندی می‌کنند؛  
 ۳. انسان‌ها در انتخاب روش‌های رفتار، به محاسبه منطقی می‌پردازند؛  
 ۴. پدیده‌های اجتماعی، یعنی ساختارهای اجتماعی، تصمیمات جمعی و رفتار جمعی، ناشی از انتخاب‌های منطقی افرادی است که منفعت خود را به حداکثر می‌رسانند.  
 مهم‌ترین مبانی جامعه‌شناختی نظریه انتخاب منطقی، «نظریه مبادله<sup>۷۴</sup>» و برداشت‌های ماکس وبر از «عقلانیت ابزاری<sup>۷۵</sup>» است. در واقع نظریه انتخاب منطقی را می‌توان حاصل تکامل تدریجی این جریانات فکری دانست.

#### ۲-۲-۱- ترجیح عقلانیت ابزاری توسط «ماکس وبر<sup>۷۶</sup>»

وبر در مقاله «روان‌شناسی اجتماعی دین‌های بزرگ» و کتاب «اقتصاد و جامعه<sup>۷۷</sup>»، کنش‌های اجتماعی انسان را به چهار دسته تقسیم می‌کند<sup>۷۸</sup>: «کنش سنتی<sup>۷۹</sup>»، «کنش عاطفی (انفعالی)<sup>۸۰</sup>»، «کنش منطقی معطوف به ارزش<sup>۸۱</sup>» و «کنش منطقی معطوف به هدف<sup>۸۲</sup>». او پس از این دسته‌بندی، عقلانیت نظری و عقلانیت عملی را از هم تفکیک می‌کند. عقلانیت نظری، تسلط بر واقعیت به وسیله مفاهیم انتزاعی هرچه دقیق‌تر و عقلانیت عملی، محاسبه هرچه دقیق‌تر وسایل، برای رسیدن به اهداف است.<sup>۸۳</sup> عقلانیت نوین غربی، از نظر ماکس

73. Jonathan H. Turner, *The Structure of Sociological Theory* (US: Wadsworth, 1998), 6th ed, 304.

۷۴. مجید موحدمجد و احسان حمیدی‌زاده، «دنیوی شدن و نظریه انتخاب عقلانی دین»، *فصلنامه پژوهش‌های ادیانی* ۳ (۱۳۹۳)، ۱۲۴.

۷۵. محمدرضا جوادی‌یگانه، «رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی (مقدمه‌ای بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی برنامه‌ریزی‌شده)»، *فصلنامه راهبرد فرهنگ* ۳ (۱۳۸۷)، ۳۷.

76. Maximilian Karl Emil "Max" Weber (21 April 1864 - 14 June 1920)

77. *Economy and Society* (Wirtschaft und Gesellschaft. Grundriß der Verstehenden Soziologie), 1921

78. Max Weber, *Economy and Society*, ed. Guenther Roth and Claus Wittich (New York: Bedminister, 1968, Originally Published 1921), 424.

79. Traditional Social Action.

80. Affectual Social Action.

81. Value-Rational Social Action.

82. Means-End Rational Social Action.

۸۳. بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، مترجم، *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی* (تهران: نی، ۱۳۹۴)، چاپ نهم، ۲۰۸.

وبر، کنش منطقی معطوف به هدف یا همان «عقلانیت صوری / ابزاری»<sup>۸۴</sup> است که در مقابل «عقلانیت محتوایی / ذاتی»<sup>۸۵</sup> قرار دارد. وبر عقلانیت ابزاری را به عنوان عقلانیت دنیای نوین معرفی کرد.<sup>۸۶</sup> عقلانیت ابزاری / محاسباتی یعنی تعقیب منظم سود در جهان سرمایه‌داری از طریق محاسبه دقیق هزینه در برابر بازده.<sup>۸۷</sup> بدین ترتیب از نظر وبر، عقلانیت تلاش جهت به دست آوردن حداکثر نتایج و دستاوردها با حداقل داده‌هاست و تصمیم عقلانی را هم باید در این راستا دید. رفتار عقلانی نیز رفتاری نیست که اهداف قابل دفاع عقلی دارد بلکه رفتاری است که بر اساس راحت‌ترین وسایل نیل به اهداف طراحی می‌شود و به پیش می‌رود. این برداشت وبر، همسو با برداشت بنیان پیشگیری وضعی درباره انتخاب هدف توسط بزهکار بالقوه و راه‌های دستیابی او به آماج جرم است. محور اصلی این نوع برداشت، وجود منطقی یا محاسبه برای دستیابی بزهکار بالقوه به منفعت، با صرف کم‌ترین هزینه است.

#### ۲-۲-۲- سنت جامعه‌شناختی «مبادله»

بسیاری از مکاتب و نظریات جامعه‌شناسی بر این باورند که برای تبیین رفتار انسان باید ساختارها و نهادهای اجتماعی را مطالعه کرد. در برداشتی کاملاً متفاوت، برخی از جامعه‌شناسان با ارائه نظریه‌ای با عنوان «نظریه مبادله»<sup>۸۸</sup> پیشنهاد می‌کنند برای تبیین رفتار باید به جای تأکید بر ساختارها و نهادهای اجتماعی، الگوهای ترغیب یعنی «پاداش‌ها»<sup>۸۹</sup> و «تنبیه‌ها»<sup>۹۰</sup> را مطالعه کرد. لازم به ذکر است نظریه پردازان مبادله، از واژه «هزینه»<sup>۹۱</sup> (دقیقاً با همان مفهوم «تنبیه» در روان‌شناسی رفتارگرا) استفاده کرده‌اند؛ بنابراین در سلسله‌مباحث جامعه‌شناختی نیز می‌توان شاهد جریانی از تفکر بود که رفتار را بر اساس موقعیت تبیین می‌کند. همین برداشت جامعه‌شناختی، مبنایی برای تکامل نظریه انتخاب منطقی پدید آورده است.

84. Formal Rationality/ Ration.

85. Substantive Rationality/ Reason.

۸۶. عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده، مترجم، *اقتصاد و جامعه* (تهران: سمت، ۱۳۸۴)، ۲۰.

۸۷. شهناز مسمی‌پرست و محمود متحد، مترجم، *فلسفه علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی* (تهران: آگه، ۱۳۹۴)، چاپ پنجم، ۱۵۳.

88. Social Exchange Theory.

89. Rewards.

90. Punishments.

91. Cost.



طرفداران نظریه مبادله به طور مشترک بر این باورند که انسان‌ها زمانی دست به رفتار می‌زنند که نتایج آن را «پاداش‌دهنده»<sup>۹۲</sup> بینگارند.<sup>۹۳</sup> با الگوبرداری از این دیدگاه جامعه‌شناختی، کرنیش و کلارک بیان می‌دارند «برای بزهکار مجرب، تصمیم‌گیری درباره رویداد جرم صرفاً آن دسته از عوامل وضعی را شامل می‌شود که برآوردن هدف مجرمانه را تضعیف یا تقویت می‌کنند.»<sup>۹۴</sup> در ادامه، مهم‌ترین دیدگاه‌های جامعه‌شناسان مبادله، نحوه تکامل نظریه انتخاب منطقی و الگوبرداری بانیان پیشگیری وضعی از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی ارائه می‌شود.

هومنز<sup>۹۵</sup> در مقاله‌ای با عنوان «رفتار اجتماعی همچون مبادله»<sup>۹۶</sup>، ضمن تلفیق آموزه‌های جامعه‌شناختی با روان‌شناسی رفتارگرا، رفتار اجتماعی را برحسب پاداش‌ها و تنبیه‌ها، به عنوان «مبادله» یک فعالیت پاداش‌دهنده یا خسارت‌آمیز میان دست‌کم دو شخص در نظر گرفت.<sup>۹۷</sup> نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی بر این مبنا فرایندهایی را برای مبادله در حوزه پیشگیری وضعی برمی‌شمارند از جمله اینکه آنها بیان می‌دارند که پاداش‌ها و مجازات‌های غیر رسمی، در فرایندهای تعاملی (برچسب‌زنی) بزهکاران و اشخاص ثالث مبادله می‌گردند. این پاداش‌ها و مجازات‌های غیر رسمی تا حدود زیادی مشوق‌های «نرم»<sup>۹۸</sup> هستند.

بلاو<sup>۹۹</sup> در کتاب «مبادله و قدرت در زندگی اجتماعی»<sup>۱۰۰</sup> بیان می‌دارد که مفهوم دگرگونی اجتماعی به کنش‌هایی محدود می‌شود که به واکنش‌های پاداش‌آمیز دیگران مشروط و متکی هستند؛ کنش‌هایی که واکنش‌های مورد انتظار را در پی نداشته باشند، خاموش خواهند شد.<sup>۱۰۱</sup> بلاو در کتاب «زمینه‌های ساختاری فرصت‌ها»<sup>۱۰۲</sup>، با گسترش روابط چهره به چهره نظریه هومنز، نظریه مبادله را به ساختارهای کلان اجتماعی تعمیم داد.

92. Rewarding.

۹۳. محسن ثلاثی، مترجم، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر* (تهران: علمی، ۱۳۹۵)، چاپ بیست و یکم، ۴۱۱.

94. Derek Blaikie Cornish & R.V. Clarke, *Rational Choice Perspective*, op.cit., 31.

95. George Casper Homans (August 11, 1910 - May 29, 1989).

96. Social Behavior as Exchange, 1958.

97. George Caspar Homans, *Social Behavior: Its Elementary Forms* (US: Harcourt Brace, 1974), 13.

98. Karl-Dieter Opp, *Limited Rationality and Crime*, op.cit., 60.

99. Peter Michael Blau (February 7, 1918 - March 12, 2002)

100. Exchange and Power in Social Life, 1964

101. Peter Michael Blau, *Exchange and Power in Social Life* (US: Transaction Publishers, 1964), 253.

102. Structural Contexts of Opportunities, 1994.

امرسون<sup>۱۰۳</sup> با نگارش دو مقاله در سال ۱۹۷۲ با عنوان‌های «نظریه مبادله: مبانی روان‌شناختی مبادله<sup>۱۰۴</sup>» و «نظریه مبادله: روابط و شبکه‌های مبادله<sup>۱۰۵</sup>» تحولی در نظریه مبادله به وجود آورد. مقاله اول او بر این محور است که انسان برای محقق شدن رویدادهای نافع، منطقی / محاسباتی عمل می‌کند.<sup>۱۰۶</sup> او در مقاله دوم و نیز در مقاله‌ای با عنوان «روابط وابسته قدرت<sup>۱۰۷</sup>»، با توسعه روابط مبادله به گروه‌ها، وجود شبکه‌های مبادله را ممکن دانست.<sup>۱۰۸</sup> نظریه پردازان بعدی مبادله، محتوای قابل مبادله را نیز از منافع مادی به برخی از دیگر منافع توسعه داده‌اند.

از نظر کوک<sup>۱۰۹</sup>، اوبراین<sup>۱۱۰</sup>، کالوک<sup>۱۱۱</sup>، یاماجیشی<sup>۱۱۲</sup>، تامپسون<sup>۱۱۳</sup>، هگوت<sup>۱۱۴</sup> و میکرو<sup>۱۱۵</sup>، نظریه مبادله «شامل یک رشته قضایای نظری می‌شود که قابل کاربرد برای کنشگران فردی و نیز برای سطوح کلان (یا سطوح نظام‌مند) است.»<sup>۱۱۶</sup> آنها استدلال می‌کنند که عقلانیت را بایستی به عنوان گونه‌ای از قواعد مبادله‌ای در نظر گرفت که می‌توانند بر پایه قواعد تبادلی دیگری همچون نوع‌دوستی، رقابت، تقابل و هماهنگی پایگاهی نیز اتفاق بیفتند.<sup>۱۱۷</sup> این بدان معناست که گرچه ساختار مبادله، ساختاری اقتصادی است و بر مبنای آموزه‌های اقتصادی اجتماعی بنا شده؛ اما ماهیت تبادل می‌تواند امور غیرمادی نیز باشد. دیدگاهی که کمابیش در برداشتهای پیشگیری وضعی، با استناد به نظریه انتخاب منطقی نیز ملاحظه می‌شود.

103. Richard Marc Emerson (1925–1982).

104. Exchange Theory, Part 1: A Psychological Basis for Social Exchange, 1972.

105. Exchange Theory, Part 2: Exchange Relations and Networks, 1972.

106. Richard Marc Emerson, "Social Exchange Theory," *Social Psychology: Sociological Perspectives* 30 (1981): 31-33.

107. Power-Dependence Relations.

108. Toshio Yamagishi, Mary R. Gillmore and Karen S. Cook, "Network Connections and the Distribution of Power in Exchange Networks," *American Journal of Sociology* 93 (1988): 32.

109. Karen Schweers Cook (1946).

110. Jodi O'Brien (1960).

111. Peter Enrique Kollock (November 1, 1959 - January 10, 2009).

112. Toshio Yamagishi (1948).

113. Elaine A. Thompson.

114. Karen A. Hegtvedt.

115. Barbara Foley Meeker.

116. Toshio Yamagishi, *Social Dilemmas*, ed. Karen S. Cook, Gary A. Fine, House James S. Needham Heights (NY: Allyn and Bacon, 1995), 313.

117. Barbara Foley Meeker, "Decisions and Exchange," *American Sociological Review, Essays on Actor Models in Exchange Networks and Social Dilemmas* 36 (1971): 487

### ۲-۲-۳- صورت‌بندی نهایی «نظریه انتخاب منطقی» در جامعه‌شناسی

حاصل تلاش جامعه‌شناسان در فرایند تکامل نظریه انتخاب منطقی، توسط مرتن<sup>۱۱۸</sup> و کلمن<sup>۱۱۹</sup> صورت نهایی یافت. کلمن تمام دیدگاه‌های جامعه‌شناختی خود را بر اساس انتخاب منطقی بنا نهاد؛ اما درک عمیق و روشمند دیدگاه‌های کلمن درباره نظریه انتخاب منطقی منوط به مطالعه دیدگاه‌های مرتن است.

هدف این مقاله، تبیین جرم/ انحراف نیست اما بخشی از تبیین مرتن درباره بزهکاری، درباره عقلانیت پیشگیری وضعی بسیار مهم است. مرتن ریشه جرایم/ انحرافات را در شکاف میان دو عنصر یعنی «اهداف فرهنگی<sup>۱۲۰</sup>» و «شیوه‌ها/ راه‌ها/ ابزارها و وسایل» دستیابی به این اهداف جستجو می‌کند. از نظر او هر فرد یا گروه باید اهداف فرهنگی خود را با «وسایل مجاز و نهادینه‌شده<sup>۱۲۱</sup>» به دست آورد؛ اما راه‌ها/ وسایل موجه برای دستیابی به اهداف فرهنگی محدودند؛ بنابراین برخی برای دستیابی به اهداف فرهنگی، به راه‌های غیرقانونی اما کارآمد روی می‌آورند و بدین ترتیب مرتکب جرم یا انحراف می‌شوند.<sup>۱۲۲</sup>

آنچه در حوزه پیشگیری وضعی مهم است، مفهوم اندک بودن وسایل دستیابی به هدف است. در واقع، این مفهوم مرتن در تکامل نظریه انتخاب منطقی به کار گرفته شده است زیرا با اندک بودن وسایل دستیابی به هدف، بزهکار بالقوه راهی جز انتخاب نخواهد داشت، انتخابی که قواعد آن را منطق/ محاسبات او تعیین خواهد کرد.

جامعه‌شناسان کارکردگرا از جمله مرتن بر این باورند که «دستیابی به هدف»، یکی از معیارهای کارکرد یک جامعه است. مرتن در گفتمان جامعه‌شناختی، «موفقیت‌های مادی<sup>۱۲۳</sup>» به ویژه رفاه مادی (تملک و ثروت‌اندوزی) را به عنوان یک «هدف فرهنگی» تبیین می‌کند.<sup>۱۲۴</sup> او در یک تحلیل جامعه‌شناختی بر این باور است که گسست وسیله - هدف است که انسان را به سوی استفاده از وسایل جایگزین رهنمون می‌سازد. وسایل جایگزین، از نظر او «پاسخ‌هایی<sup>۱۲۵</sup>» هستند که در فرایند تصمیم‌گیری انسان، منطقی به نظر می‌آیند یعنی انسان

118. Robert King Merton (4 July 1910 - 23 February 2003).

119. James Samuel Coleman (May 12, 1926 - March 25, 1995).

120. Cultural Goals.

121. Institutionalized Legitimate Means.

122. Robert K. Merton, *Social Theory and Social Structure* (New York: Free Press, 1968), 216.

123. Pecuniary Success.

124. Robert K. Merton, *Social Theory and Social Structure*, op.cit., 132.

۱۲۵. هم مرتن و هم تحلیل‌گران پس از او از واژه Response در تبیین‌های خود بهره گرفته‌اند، واژه‌ای آشنا در ادبیات رفتارگرایی.

آنها را از روی محاسبه به کار می‌گیرد. منطق / محاسبه است که این وسایل را کاراترین وسایل برای دستیابی به اهداف معرفی می‌کند، تحلیل / دیدگاهی که نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی معمولاً با عناوینی نظیر «تحلیل هزینه - فایده»، به عنوان مبنای تصمیم‌گیری بزهکار بالقوه از آن یاد می‌کنند.

از نظر مرتن کسی که دسترسی به وسایل قانونی ندارد، تحت فشار جامعه برای دستیابی به اهدافش از وسایل غیرقانونی استفاده می‌کند.<sup>۱۲۶</sup> این اولاً بدان معناست که پاسخ‌ها، با اجبار تحمیل شده از سوی ساختار اجتماعی انتخاب می‌شوند و دوم، به طور ضمنی یادآور این نکته است که به لحاظ منطقی، همواره برای مالکیت موقعیت‌ها، امور و در نهایت، اهداف کمیاب، منازعه و اختلاف وجود دارد.

آثار متعددی در پیشگیری وضعی مؤید این ادعاست. برای مثال «کلارک و همکارانش اذعان کرده‌اند که ممکن است کنشگر همیشه به طور کامل از موقعیت خود آگاهی و اطلاع کامل داشته یا نداشته باشد». البته، با آنکه نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی اذعان می‌دارند که عقلانیت بزهکار، تحت فشارها/ مقید به محدودیت‌هایی در راستای پردازش اطلاعات انسانی، چارچوب وضعی و عواطف است، لکن آنها هرگز این ساختارها را وارد نظریه خود نکردند.<sup>۱۲۷</sup> در واقع نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی با استناد به نظریه انتخاب منطقی معتقدند که جرم نتیجه یک «انتخاب» است؛ اما انتخاب را در قالب منطق انسان (انتخاب منطقی) تشریح می‌کنند و سپس، مواجهه با موقعیت را عامل نهایی جرم می‌دانند.<sup>۱۲۸</sup>

دیدگاه مؤثر بعدی در حوزه نظریه انتخاب منطقی مربوط به کلمن است. از نظر جامعه‌شناختی، احتمالاً اولین بیان روشن کلمن را که به انتخاب منطقی تبدیل شد می‌توان در مقاله‌ای با عنوان «چارچوب‌های نظریه تصمیمات جمعی»<sup>۱۲۹</sup> یافت. او در این مقاله بیان می‌دارد: «من می‌خواهم نظریه تصمیمات جمعی را گسترش دهم و در این کار با تصویری از یک انسان کاملاً آزاد شروع می‌کنم: انسانی که جامعه‌پذیر نشده است، کاملاً در جهت نفع فردی رفتار می‌کند و هیچ محدودیتی از سوی هنجارهای یک نظام بر او وجود ندارد و تنها

۱۲۶. رحمت‌اله صدیق سروستانی و دغاقله عقیق، «مقایسه نگرش شهروندان معمولی و نخبگان جامعه در

مورد عدالت اجتماعی (مورد تهران بزرگ)»، *دوفصلنامه نامه علوم اجتماعی* ۳۴ (۱۳۸۷)، ۴۴.

127. Richard Wortley, *Rational Choice and Offender Decision-Making: Lessons from the Cognitive Sciences*, ed. B. Leclerc and R. Wortley (England: Routledge, 2014), 239, 245, 249.

128. Derek Blaikie Cornish and R.V. Clarke, *Rational Choice Perspective*, op.cit., 25.

129. Foundations for a Theory of Collective Decisions, 1966.

به صورت محاسباتی در جهت بیشتر کردن منافع خود حرکت می‌کند.<sup>۱۳۰</sup> بر همین اساس کلمن، کنش را اساساً هدفمند ترسیم می‌کند و بیان می‌دارد: «مفهوم مورد نظر من از کنش هدفمند، مفهوم مورد اشاره در اقتصاد است. این مفهوم بر این پایه استوار است که کنش‌های مختلف، فایده‌معینی برای کنشگر دارد و همواره تابع این اصل است که کنشگر، کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر فایده را نصیب او سازد.<sup>۱۳۱</sup>» کلمن این مفاهیم را در حد یک نظریه نمی‌نگرد بلکه با استفاده از آنها، نظام اجتماعی مورد نظر خود را بنیان می‌نهد.<sup>۱۳۲</sup> در گامی دیگر و در راستای اعتلای نظام اجتماعی مبتنی بر انتخاب منطقی، کنش هدفمند و ...، کلمن، منابع موجود و در اختیار کنشگران را کمیاب در نظر می‌گیرد. این کمیابی زمانی به انتخاب منطقی / محاسباتی مرتبط می‌شود که کنشگر مجبور است گزینه‌های اندک موجود را در یک موقعیت، انتخاب کند. کلمن، حلقه وصل انتخاب منطقی و کمبود منابع را به موقعیت پیوند می‌زند.<sup>۱۳۳</sup>

این نوع برداشت کلمن به ویژه دو مؤلفه اصلی آن یعنی منفعت‌مدار بودن انسان و هدفمند بودن رفتارها در بسیاری از تعابیر نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی به ویژه در تشریح نظریه انتخاب منطقی به چشم می‌خورد.<sup>۱۳۴</sup>

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت دیدگاه‌های جامعه‌شناختی مؤثر بر تکامل نظریه انتخاب منطقی، رویکردی اقتصادی را برای حل مسائل اجتماعی و نظام‌سازی اجتماعی به کار برده‌اند. از این نظر، عقلانیت، به تصمیم هدفمند و قابل پیش‌بینی فرد اشاره دارد که بر اساس فایده و برنامه زمانی باثبات از میان انتظارات موجود انجام می‌گردد. بدین ترتیب، انتخابی منطقی است که در آن تصمیم‌گیری برای بهینه‌سازی ریاضیاتی وضعیت موجود با در نظر گرفتن موقعیت باشد؛ برداشتی که با همین کیفیت، با تصمیم‌گیری بزهکار بالقوه در مواجهه با موقعیت جرم تسری داده شده است.

130. James S. Coleman, "Foundations for a Theory of Collective Decisions," *American Journal of Sociology* 71 (1966): 615-616.

۱۳۱. منوچهر صبوری، مترجم، *بنیادهای نظریه اجتماعی* (تهران: نی، ۱۳۹۰)، چاپ سوم، ۳۲.

۱۳۲. همان، ۵۲-۵۳.

133. James S. Coleman, *Foundations of Social Theory* (US: The Belknap Press of Harvard University Press, 1990), 32.

134. Derek Blaikie Cornish and R.V. Clarke, *Understanding Crime Displacement: An Application of Rational Choice Theory* (US: Criminology, 1987), 933.

## نتیجه

پس از رنسانس، فلسفه و علم با ارجح دانستن عقلانیت صوری بر عقلانیت ذاتی، مبانی‌ای برای شکل‌گیری نظریه انتخاب منطقی فراهم آوردند. در عرصه فلسفه، هیوم با راهبر تلقی کردن امیال به جای عقل و طرفداران فایده‌گرایی با معیار قرار دادن جذب لذت و دوری از درد، بحث «عقلانیت» را به سوی «منطق محاسبه» به ویژه بعد اقتصادی آن سوق دادند. این سنت فلسفی، مبانی فلسفی نظریه انتخاب منطقی را فراهم آورد. بنیان‌گذاران پیشگیری وضعی نیز با مبنا قرار دادن نظریه انتخاب منطقی، بر این باورند که امیال بزهکار بالقوه هستند که هدف او را تعیین می‌کنند. او در این زمینه، اختیاری از خود ندارد زیرا امیال، محملی برای انتخاب باقی نمی‌گذارند و طبیعت، او را تحت سیطره لذت و درد قرار داده است. تنها عرصه تعقل و اندیشه‌ورزی بزهکار بالقوه در مواجهه با موقعیت جرم، انتخاب کوتاه‌ترین و به‌صرفه‌ترین راه دستیابی به آماج جرم است.

از نظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، رفتارهای انسان هدفمند تلقی شده و در راستای دستیابی به تشویق و اجتناب از تنبیه (پاداش/ هزینه) صورت می‌گیرند. این برداشت، مبانی پوزیتیویستی نظریه انتخاب منطقی را فراهم آورده است. با الگوبرداری از این برداشت، بنیان پیشگیری وضعی بر این باورند که بزهکار بالقوه برای یافتن به‌صرفه‌ترین راه دستیابی به آماج جرم، اقدام به سنجش و ارزیابی می‌کند و به عبارتی، منطق محاسبه را به کار می‌گیرد. عقلانیت پیشگیری وضعی، بزهکار بالقوه و در واقع انسان را به یک موجود محاسباتی/ ماشین حساب تقلیل می‌دهد. محتوای هدف انتخاب‌شده توسط بزهکار بالقوه، یک منفعت است. برداشت نهایی بنیان پیشگیری وضعی با استناد به نظریه انتخاب منطقی آن است که موجود محاسبه‌گر در صورتی مرتکب جرم می‌شود که منفعت موجود در آماج جرم بیش از هزینه مسیر دستیابی به آماج باشد؛ برداشتی که نوع خاصی از عقلانیت را پیش رو می‌گذارد.

در این نوع عقلانیت، اهداف توسط امیال انسان و برای دستیابی به منفعت عموماً کوتاه‌مدت مادی، با محاسبات اقتصادی (هزینه - سود) تعیین می‌شود. گرچه موضوع تحلیل‌های بنیان پیشگیری وضعی، بزهکار بالقوه است؛ اما آنها این تحلیل را از مبانی فلسفی و پوزیتیویستی نظریه انتخاب منطقی اقتباس کرده و به بزهکار بالقوه تعمیم داده‌اند. مبانی یادشده، در برداشتی کلی، نوع بشر را این‌گونه می‌نگرد. در این نوع عقلانیت، عقلانیت ناظر بر هدف نادیده گرفته می‌شود و این امر، به معنای تقلیل انسان حقیقت‌جو (معیارهای تعیین هدف) به انسان کارآمد (عقل تعیین وسیله) است. نتیجه این امر، انتقال از ارزش‌مداری به

فایده‌گرایی، انتقال از نوع دوستی به خودخواهی، انتقال از حق جویی به مصلحت‌خواهی، انتقال از عاقبت‌اندیشی به دم‌غنیمت‌شماری، انتقال از تعالی‌جویی به لذت‌خواهی، انتقال از سعادت‌طلبی به عافیت‌طلبی، انتقال از عدالت‌خواهی به منفعت‌طلبی و ... است.

## فهرست منابع

## الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام، مترجم. *درآمدی بر پیشگیری از جرم*. چاپ اول. تهران: میزان، ۱۳۹۳.
- بابایی، محمدعلی و علی نجیبیان. «چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم». *فصلنامه حقوقی دادگستری* ۷۵ (۱۳۹۰): ۱۷۲-۱۴۷.
- ثلاثی، محسن، مترجم. *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. چاپ بیست و یکم. تهران: علمی، ۱۳۹۵.
- جواد یگانه، محمدرضا. «رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی (مقدمه‌ای بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی برنامه‌ریزی‌شده)». *فصلنامه راهبرد فرهنگ* ۳ (۱۳۸۷): ۶۴-۳۳.
- رفیعی مهرآبادی، محمد، مترجم. *پنجاه فیلسوف بزرگ*. تهران: عطایی، ۱۳۸۰.
- ستوده، هدایت‌الله. *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: آوای نور، ۱۳۹۵.
- صادقی، هادی. مترجم. *فلسفه اخلاق*. چاپ دوم. قم: کتاب طه، ۱۳۸۳.
- صبوری، منوچهر، مترجم. *بنیادهای نظریه اجتماعی*. چاپ سوم. تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.
- صدیقی، بهرنگ و وحید طلوعی، مترجم. *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*. چاپ نهم. تهران: نشر نی، ۱۳۹۴.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله و دغاقله عقیق. «مقایسه نگرش شهروندان معمولی و نخبگان جامعه در مورد عدالت اجتماعی (مورد تهران بزرگ)». *دوفصلنامه نامه علوم اجتماعی* ۳۴ (۱۳۸۷): ۴۷-۲۳.
- صفاری، علی. *مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی*. چاپ اول. تهران: جنگل، ۱۳۹۱.
- صفایی مقدم، مسعود، علیرضا رشیدی و محمدجعفر پاک‌سرشت. «بررسی اصل عقلانیت در منابع اسلامی و استلزامات تربیتی آن». *فصلنامه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز* ۴ (۱۳۸۵): ۲۹-۱.
- علیوردی‌نیا، اکبر و صالح صالح‌نژاد. «کاربست‌های نظریه‌گزینش عقلانی در تبیین جرایم و ارائه دلالت‌های سیاستی برای پیشگیری از جرم». *فصلنامه کارآگاه* ۲۵ (۱۳۹۲): ۲۶-۹.
- غروی، سید محمد، علی محمد برادران رفیعی، حسین شکرکن، فرهاد ماهر و غلامرضا نفیسی. *مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن*. جلد ۲. چاپ هشتم. تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- فروغی، محمدعلی. *سیر حکمت در اروپا*. جلد اول. تهران: زوار، ۱۳۶۶.
- فنائی، ابوالقاسم. *دین در نرازوی اخلاق*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۴.
- کتبی، مرتضی، مترجم. *نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی*. چاپ چهارم. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- کرجی، علی. *اصطلاحات فلسفی و تفاوت آنها با یکدیگر*. چاپ چهارم. تهران: بوستان کتاب قم، ۱۳۹۲.
- محمدنسل، غلامرضا. *کلیات پیشگیری از جرم*. چاپ اول. تهران: میزان، ۱۳۹۳.



محمدنسل، غلامرضا، مترجم. پلیس و پیشگیری از جرم. تهران: پلیس پیشگیری، ۱۳۸۷.  
 مسمی‌پرست، شهناز و محمود متحد، مترجم. فلسفه علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی. چاپ پنجم. تهران: آگه، ۱۳۹۴.  
 ملکیان، مصطفی. راهی به راهی؛ جستارهایی در عقلانیت و معنویت. تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱.  
 موحدمجد، مجید و احسان حمیدی‌زاده. «دنیوی شدن و نظریه انتخاب عقلانی دین». فصلنامه پژوهش‌های ادیبانی ۳ (۱۳۹۳): ۱۰۹-۱۲۸.  
 میرخلیلی، سید محمود. پیشگیری وضعی از بزهکاری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.

### ب. منابع انگلیسی

- Barenes, Janathan. *The Complete Works of Aristotl*. US: Prinston University, 1995.  
 Bentham, Jeremy. *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*. US: Kitcheners, 2000.  
 Bentham, Jeremy. *Introduction to the Principles of Morals and Legislation*. New York: Hafner, 1948.  
 Blau, Peter Michael. *Exchange and Power in Social Life*. US: Transaction, 1964.  
 Clarke, Ronald V. *Affect and the Reasoning Criminal: Past and Future*. edited by. J. L. Van Gelder, H. Elffers, D. Reynald, and D. Nagin. England: Routledge, 2014.  
 Clarke, Ronald V., and John E. Eck. *Crime Analysis for Problem Solvers in 60 Small Steps*. US: U.S Department of Justice, 2009.  
 Clarke, Ronald V., and Marcus Felson. *Routine Activity and Rational Choice*. US: Transaction Publishers, 1993.  
 Coleman, James S. "Foundations for a Theory of Collective Decisions." *American Journal of Sociology* 71 (1966): 615-627.  
 Coleman, James S. *Foundations of Social Theory*. US: Belknap Press of Harvard University Press, 1990.  
 Cornish, Derek Blaikie, and R.V Clarke. *Rational Choice Perspective*. edited by R. Wortley & L. Mazerolle. UK: Willan, 2008.  
 Cornish, Derek Blaikie, and Ronald V. Clarke. "Opportunities, Precipitators and Criminal Decisions: A Reply to Wortley's Critique of Situational Crime Prevention." *Crime Prevention Studies* 16 (2003): 41-96.  
 Cornish, Derek Blaikie, and Ronald V. Clarke. "Understanding Crime Displacement: An Application of Rational Choice Theory." *Criminology* 25 (1987): 933-947.  
 Craige, Edward. *The Routledge Encyclopedia of Philosophy*. V. 9. London: Routledge, 1998.  
 Donnelly, Peter D., and Catherine L. Ward. *Oxford Textbook of Violence Prevention: Epidemiology, Evidence, and Policy*. US: Oxford University Press, 2015.  
 Emerson, Richard Marc. "Social Exchange Theory." *Social Psychology: Sociological Prespectives* 30 (1981): 30-56.  
 Ewing, A.C. *Ethics*. New York: The Free Press, 1965.  
 Follesdal, Dagfinn. "Rationalty." *Epistimology* IX (1986): 5-14.  
 Friedman, Debra, and Michael Hechter. *The Comparative Advantages of Rational*

- Choice Theory. edited by G. Ritzer. New York: Columbia University, 1990.
- Gül, Serdar Kenan. "An Evaluation of Rational Choice Theory in *Criminology*." *Girne American University Journal of Sociology and Applied Science* 8 (2009): 36-44.
- Homans, George Caspar. *Social Behavior: Its Elementary Forms*. US: Harcourt Brace, 1974.
- Hume, David. *A Treatise of Human Nature*. 2<sup>nd</sup> Ed. US: Oxford, Clarendon Press, 1978.
- Hume, David. *An Enquiry Concerning the Principles of Morals*. edited by Tom, L. Beachamp. US: Oxford, University Press, 1998.
- Marks, Lawrence E. *Neurobiology of Sensation and Reward*. edited by Jay A. Gottfried. US: CRC Press/ Taylor & Francis, 2011.
- Marongiu, Pietro, and Graeme Newman. *Situational Crime Prevention and the Utilitarian Tradition*. edited by Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham. New York: Routledge, 2016.
- Meeker, Barbara Foley. "Decisions and Exchange." *American Sociological Review* 36 (1971): 485-495.
- Merton, Robert K. *Social Theory and Social Structure*. US: Free Press, 1968.
- Newman, Graeme and Pietro Marongiu. *Situational Crime Prevention and the Utilitarian Theories of Jeremy Bentham*. edited by Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham. New York: Routledge, 2016.
- Opp, Karl-Dieter. *Limited Rationality and Crime*. edited by Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham. New York: Routledge, 2016.
- Pease, Ken. *Predicting the Future: the Roles of Routine Activity and Rational Choice Theory*. edited by Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham. New York: Routledge, 2016.
- Riegel, K.F. "Influence of Economic and Political Ideologies on the Developmental Psychology." *Psychological Bulletin*, 78 (1972): 129-141.
- Russo, Gaetana. *Criminology in Crisis and the Social Demand for Crime Prevention*. edited by Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham. New York: Routledge, 2016.
- Seve, Rene. *Philosophical Justifications of Situational Crime Prevention*. edited by Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham. New York: Routledge, 2016.
- Skinner, Burrhus Frederic. "Two Types of Conditioned Reflex and a Pseudo Type." *Journal of General Psychology* 12 (1935): 66-77.
- Turner, Jonothan H. *The Structure of Sociological Theory*. 6<sup>th</sup> Ed. US: Wadsworth Publishing Company, 1998.
- Walters, Glenn D. "The Decision to Commit Crime: Rational or Nonrational?." *Criminology, Criminal Justice Law & Society* 16 (2015): 1-18.
- Weber, Max. *Economy and Society*. edited by Guenther Roth and Claus Wittich. New York: Bedminister, 1968, Originally Published 1921.
- Wortley, Richard. "A Classification of Techniques for Controlling Situational Precipitators of Crime." *Security Journal* 14 (2001): 63-82.
- Wortley, Richard. "A two-stage Model of Situational Crime Prevention." *Studies on Crime and Crime Prevention* 7 (1998): 173-188.
- Wortley, Richard. *Rational Choice and Offender Decision-Making: Lessons from the Cognitive Sciences*. edited by B. Leclerc and R. Wortley. England: Routledge, 2014.
- Wortley, Richard. *Reconsidering the Role of Opportunity in Situational Crime Prevention*. edited by Graeme Newman, Ronald V. Clarke and S. Giora Shoham. New

York: Routledge, 2016.

Yamagishi, Toshio, Mary R. Gillmore and Karen S. Cook. "Network Connections and the Distribution of Power in Exchange *Networks*." *American Journal of Sociology* 93 (1998): 833-851.

Yamagishi, Toshio. *Social Dilemmas*. edited by Cook, Karen S., Fine Gary A., House James S. Needham Heights. US: Allyn and Bacon, 1995.

## **Rationality Foundations of Situational Crime Prevention**

***Dr. Mehdi Moghimi***

Assistant Professor at the Department of Criminology, Amin University of  
Police Sciences, Tehran, Iran  
Email: m60\_moghimi@yahoo.com

**Background and Objectives:** Situational prevention is an approach which, by concentrating on “situation”, considers the environment as being more effective in crime commission from among “human” and “environment”. With this takeaway, “human” assumes a weaker role in situational prevention analyses; however, some perspectives of this kind of prevention, especially perspectives related with “decision-making systems of the potential offender in the face of the crime situation” can implicitly provide insights into his system of rationality, will, passions and instincts. This article is aimed to explore the basics of one of these insights, i.e., situational prevention rationality. This rationality involves certain “philosophical” and “positivist” principles.

**Methodology:** This research is applied in terms of goals and from a methodological point of view, it is based on documents. The research has been conducted by using library studies, internet sources, articles and Persian and English researches. Note taking was used to gather data also.

**Findings and Results:** By invoking to the Hume's philosophy, situational prevention believes passions to direct the potential offender. The potential offender chooses his targets by directing passions by the shortest means possible in the direction of his benefits. Inspired by Bentham and Mill's philosophical perspectives, i.e., attraction of pleasures and avoidance of pains, situational prevention theorists consider the choice of target on the part of the potential offender as a function of the principle of “utility”. From a positivist point of view, situational prevention believes the potential offender to be a function of reward-punishment pattern as it models behaviorist psychology.

Sociologically, the cost-benefit model has been introduced as a basis for the potential offender's decision making. Accordingly, the situational rationality system is a nominal/ instrumental rationality which, considering all human's behaviors as “purposeful”, directs rationality towards the “logic of calculus”. This kind of thinking reduces man to an evaluating/ calculating creature. In this system of rationality, values, spirituality and happiness are nonsensical, because goals are mostly determined by passions for gaining short-term material benefits via economic

estimates (cost-benefit). This denotes reducing a truth-seeking man (goal-setting criteria) to an effective man (the rationale for determining means).

**Keywords:** Situational Prevention, Reasoning, Rationale, Calculus, Economy, Csts, Benefit.

# Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VI, No. 2

2018-2

- **Some of the Characteristics of the due Process Model in the Criminal Procedure Act 1392**  
*Baharak Shahed & Dr. Nasrin Mehra*
- **Rationality Foundations of Situational Crime Prevention**  
*Dr. Mehdi Moghimi*
- **Prevention of Transmitting Incomes of Organized Crimes in Iran's Criminal Law and International Documents**  
*Yaser Gholamnejad & Dr. Mohammad Ali Mahdavi Sabet*
- **The New Criminal Procedure Law Approach to Witness and Informed Rights in the Preliminary Research Phase and its Compliance with International and Regional Documents**  
*Abbas Akhtari & Dr. Hassan-Ali Moazen Zadehan*
- **Legal Analysis of the Illegal Alteration of Land Use by Fencing in Agricultural Lands and Gardens with an Emphasis on Judicial Precedent**  
*Dr. Hamid Bahremand & Naser Ghanbarian*
- **Penological Analysis of Customary Penal Code**  
*Dr. Mahdi Sabooripour & Iraj Khalilzadeh*
- **Feasibility Study of Utilization of Modern Criminal Institutions in Islamic Prescribed Punishments (Hodud)**  
*Hossein Khodayar & Dr. Rahim Nobahar*

